

حزب‌الله به مثابه یک جنبش سیاسی - اجتماعی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱/۲۵

هادی ترکی^{۱*}

محمد ستوده‌آرانی^۲

چکیده

حزب‌الله لبنان یکی از مؤثرترین گروه‌های سیاسی اسلام‌گرا در منطقه غرب آسیا و جهان اسلام است که به طور خاص تحت‌تأثیر آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران شکل گرفته است. این گروه با توجه به شرایط خاص داخلی لبنان و همچنین بحران‌های گسترده منطقه غرب آسیا همواره با چالش‌های متعددی روبرو بوده که البته به شکل قابل توجهی و با سازگار کردن خود با چالش‌ها و فرصت‌ها، همچنان به عنوان یکی از مؤثرترین نیروهای سیاسی منطقه نقش‌آفرینی می‌کند. از طرفی دیگر؛ ضرورت‌های داخلی و منطقه‌ای ایجاب می‌کند که حزب‌الله در عرصه سیاسی و اجتماعی به فعالیت‌های متعدد خود بپردازد. به همین دلیل سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که علت اصلی تداوم مؤثر حزب‌الله در عرصه داخلی و منطقه‌ای ناشی از چه مسأله‌ای است؟ بر این اساس فرضیه مقاله به این صورت است که گذار حزب‌الله از نیرویی ایدئولوژیک به جنبشی سیاسی - اجتماعی باعث قوام و دوام آن در عرصه داخلی و منطقه‌ای شده است. چارچوب نظری مورد استفاده در این پژوهش با نقد دیدگاه‌های مطرح شده درباره شکل‌گیری جنبش‌ها در جهان اسلام آغاز می‌شود و دیدگاه «نقش عقیده و ایدئولوژی در شکل‌گیری جنبش‌های اسلامی» به عنوان چارچوب نظری بیان می‌شود. بر اساس این دیدگاه، ایدئولوژی و عقیده گروه‌های اسلام‌گرا نقش مهمی در شکل‌گیری و تداوم حیات آنان در دوره معاصر دارد.

واژگان کلیدی: لبنان، حزب‌الله، جمهوری اسلامی ایران، خاورمیانه، جنبش سیاسی - اجتماعی.

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی

(نویسنده مسئول: haditoraki1366@yahoo.com)

۲. دانشیار دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم (m.sotode43@gmail.com)

مقدمه

جنبش‌های سیاسی و اجتماعی در منطقه غرب آسیا در قرن بیستم رشد گسترده‌ای یافته‌اند. به این دلیل که احیای اسلام سیاسی در منطقه، ظهور انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، و رهایی ملل مستعمره قدرت‌های بزرگ، باعث ظهور گروه‌های سیاسی دولتی و غیردولتی زیادی در جهان اسلام شد. در این میان، لبنان یکی از این کشورهای مهم منطقه است که به دلیل ساختار چند فرهنگی، مذهبی و سیاسی از سایر کشورهای اسلامی متمایز است. با اعلام استقلال لبنان در دهه ۱۹۴۰ میلادی، ساختار سیاسی این کشور کم‌کم شکل گرفت و امروزه به صورت یک نظام جمهوری پارلمانی شناخته می‌شود. این جمهوری بر آزادی‌های عمومی استوار شده است و مردم منبع و اساس حاکمیت به شمار می‌روند که از طریق آنها؛ قوای مقننه، مجریه و قضاییه به فعالیت می‌پردازند. نظام دموکراتیکی که لبنان از آن پیروی می‌کند، بر مبنای تفکیک قوا، توازن و همکاری میان آنها استوار شده است.

قانون اساسی لبنان در تاریخ ۲۱ سپتامبر ۱۹۹۰ میلادی، اصلاح و بازنگری شد. و بر اساس «توافقنامه طائف»، نظام سیاسی جدیدی در لبنان شکل گرفت. در این توافقنامه سعی شده است؛ برای همه طوائف لبنانی جایگاهی در بدنه سیاسی کشور در نظر گرفته شود. قوای سه‌گانه در کشور بین سه طائفه اصلی: مسیحی، سنی و شیعه تقسیم شد که طی آن منصب ریاست جمهوری از آن مارونی‌ها، نخست‌وزیری برای اهل سنت و ریاست مجلس نیز برای شیعیان در نظر گرفته شد. با توجه به اینکه مسیحیان ارتدکس از حیث عددی در درون طائفه مسیحی لبنان دومین طائفه محسوب می‌شوند، پس معاون نخست‌وزیر و معاون رئیس مجلس از این طائفه برگزیده می‌شود. در واقع؛ این سهم‌بندی باعث «دموکراسی تفاهی» شده که البته هنوز آن‌چنان که باید تفاهم و ائتلاف بسیار مستحکم نشده است. در این میان؛ نقش حزب‌الله به عنوان یک گروه شیعی داخلی در لبنان و اثرگذار در تحولات منطقه غرب آسیا حاکی از جایگاه مؤثر این جریان در منطقه است. به طوری که این گروه سیاسی در کنار ایران و سوریه به عنوان محور مقاومت در منطقه شناخته می‌شوند و بارها در جنگ علیه اسرائیل در منطقه وارد عمل شدند. در همین راستا نوشتار حاضر درصدد است تا با واکاوی چگونگی شکل‌گیری حزب‌الله در لبنان، سیر گذر این گروه سیاسی از یک نیروی ایدئولوژیک به یک

جنبش سیاسی-اجتماعی را مورد بررسی قرار دهد. ساختار مقاله بدین ترتیب است که ابتدا چارچوب نظری ارائه می‌شود؛ پس از آن وضعیت لبنان مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ سپس جایگاه حزب‌الله، فعالیت‌های آن و در نهایت سیر تحول آن از یک نیروی ایدئولوژیک به جنبشی سیاسی-اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف- چارچوب نظری پژوهش؛ نقد نظریه‌های پیشین

درباره چگونگی و علل شکل‌گیری گروه‌های سیاسی، جنبش‌ها، و در یک کلام تحولات سیاسی و اجتماعی در منطقه غرب آسیا و جوامع اسلامی دیدگاه‌های متعددی بیان شده است. به طوری که بررسی همه دیدگاه‌ها، طیف متعددی از نظریه‌ها و رویکردها را به ما نشان می‌دهد که حتی دارای تعارض‌ها و تفاوت‌های متعددی با یکدیگر هستند. در اینجا به چند نظریه مهم در این زمینه اشاره می‌شود.

یکی از مهم‌ترین نظریات، به «هرایر دکم‌جیان» اختصاص دارد. از نظر دکم‌جیان، تاریخ مسلمانان از ابتدای ظهور اسلام تا به امروز تحت تأثیر دو مؤلفه «بحران» و «رستاخیز» قرار داشته است. وقوع رستاخیز و تجدید حیات بنیادگرایانه، بیشتر همراه با دوران‌های آشفتگی بزرگ بوده که در اثر آن موجودیت جامعه اسلامی یا وحدت و انسجام روحی آن در معرض تهدید و خطر قرار گرفته است (دکم‌جیان، ۱۳۸۳: ص ۳۱). بدین ترتیب جنبش‌های سیاسی و اجتماعی اعم از انقلاب یا جریان‌های سیاسی کوچک‌تر در دوره‌های «بحران» نمو یافته‌اند که در واقع درصد حل بحران زمانه خود بوده‌اند. «باری بوزان» نیز در مقاله‌ای با عنوان «خاورمیانه؛ ساختاری کشمکش‌زا» به علل ظهور جنبش‌های اجتماعی اشاره می‌کند که ساختار امنیتی و کشمکش‌زای خاورمیانه، مهم‌ترین عامل رشد و شکل‌گیری این جریان‌های سیاسی است. از نظر وی، ساختار کشمکش‌های خاورمیانه از دست‌ورکار سنتی دربرگیرنده مناقشه‌های سرزمینی، رقابت‌های ایدئولوژیک، مسابقه بر سر قدرت و جایگاه تقسیم‌بندی‌های قومی و فرهنگی ریشه می‌گیرد. افزون بر این‌ها؛ آمیزه‌ای از مناقشه بر سر نفت، آب و مذهب نیز مطرح است (بوزان، ۱۳۸۱: ص ۶۴۳). از نظر وی، گروه‌های اجتماعی مختلف در این منطقه تلاش می‌کنند با بهره‌گیری از فضای بحرانی منطقه، اقدام به تشکیل گروه نمایند و از این طریق به اهداف خود دست یابند.

نظریه بعدی به «دولت ضعیف-ملت قوی» بوده که توسط «میگدال» مطرح می‌شود. دولت‌های ضعیف در خاورمیانه در مقایسه با ملت‌ها (شاید جامعه مدنی منظور است) ضعیف‌تر و حتی عقب‌تر هستند. این مسأله نوعی تعارض ساختاری را به وجود می‌آورد که در نهایت به شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی می‌انجامد. بنابراین تغییرات اجتماعی و سیاسی ناشی از ضعف عملکرد رهبران سیاسی به عنوان نمایندگان دولت است؛ این به معنای ناتوانی آنها در استفاده از بسیج سیاسی به عنوان سازوکار کنترل همه مراکز تهدیدزای قدرت در خود سازمان دولت است (میگدال، ۱۳۹۵: ص ۱۰۵). از نظر میگدال، رابطه نامتوازن دولت و گروه‌های اجتماعی باعث شده تا دولت‌ها ضعیف و گروه‌های اجتماعی و سیاسی قوی باشند. دولت‌ها باید تغییرات اجتماعی گوناگون را در جهت‌های مشترکی هدایت نموده و به جای تقویت شکاف‌ها بین بخش‌های مختلف، هم تکمیلی ایجاد کنند (میگدال، ۱۳۹۵: ص ۲۳۴). برای توضیح نظریه میگدال، مثال‌های زیادی در منطقه خاورمیانه دیده می‌شود. یکی از این موارد، لبنان است. بدین صورت که تقسیم جمعیتی در لبنان به همان اندازه زیاد بود که تقسیم در بین خود جوامع محلی مردم علیه دیگر و علیه کسانی که در جامعه محلی خود به درستی وقعی به اهداف سیاسی جامعه نمی‌گذاشتند، بسیج می‌شدند. برخی مسیحیان مخالف اصلاحاتی بودند که قدرت بیشتری به مسلمانان بدهد، برخی دیگر در حمایت از ملی‌گرایان عربی به مسلمانان پیوستند. همچنین برخی مسلمانان از وحدت عربی می‌هراسیدند، زیرا مناصب و موقعیت آن‌ها را تهدید می‌کرد. سرانجام پیکار در لبنان به مثابه نبردی میان جوامع و رهبران فرقه‌ای بر سر قدرت بیشتر در ساختار چندلایه کشور برافروخته شد (آپوستولوف، ۱۳۸۸: ص ۳۰۳-۳۰۲).

نظریه دیگر به «ترنر» اختصاص دارد. هرچند دیدگاه وی برگرفته از آراء وبر درباره جوامع اسلامی است، اما با این حال، شکل‌گیری گروه‌های اجتماعی در منطقه غرب آسیا و جوامع اسلامی را تابعی از تعلق این جوامع به سنت دیرپای تاریخی در این منطقه می‌داند. مشکلات متعدد اقتصادی در کنار غلبه سنت بر سایر اشکال مشروعیت از نظر وی، در ساختار جوامع وراثتی، مخالفت‌های کاریزمایی را در میان توده‌ها برمی‌انگیزد که اغلب شکل طغیان‌های مسیحایی، جنبش‌های هزاره‌ای و یا انفجارهای پیامبرانه به خود می‌گیرد (ترنر، ۱۳۸۷: ص ۱۴۰). شکل‌گیری چنین گروه‌هایی در کنار مدرن شدن ساختار این جوامع، باعث تشکیل نظام‌های سلطانی و پاتریمونیل در این منطقه می‌شود. همان‌طور که وبر نیز اشاره کرده بود این امر وجه تمایز سلطانیسم از هر نوع سیادت عقلایی است (وبر، ۱۳۸۴:

ص (۳۷۱).

علاوه بر نظریاتی که به طور خاص درباره علل و چگونگی شکل‌گیری گروه‌ها و جنبش‌های اجتماعی و سیاسی در منطقه غرب آسیا شکل گرفته‌اند، برخی دیگر از نظریات نیز وجود دارند که هرچند به طور خاص درباره غرب آسیا و جوامع اسلامی بیان نشده‌اند، اما در اغلب تحلیل‌های امروزی از آنان استفاده می‌شود. به عنوان مثال، نظریه بسیج منابع که توسط «مانکور اولسون» مطرح شد بر این نگرش لیبرالی متکی است که پدیده‌های اجتماعی نتیجه تصمیم‌ها و کنش‌های فردی هستند. این نظریه بر مبنای فرضیه‌های نظریه «انتخاب عقلانی» مطرح شد که براساس آن مشارکت فرد در جنبش‌های اجتماعی، عقلانی است (نش، ۱۳۸۹: ص ۱۴۴).

نظریه مشابه توسط «گی روشه» در کتاب تغییرات اجتماعی بیان شده است. به عقیده وی، آنچه که اصولاً جنبش اجتماعی را مشخص می‌سازد، متقاضی و مدعی بودن آن است که سعی در شناساندن و پیروز گردانیدن ایده‌ها و منافع و ارزش‌های معینی دارد، بدین منظور پیوسته سعی در افزایش اعضا و کوشش در جهت جلب توجه عامه و نیز برگزیدگان جامعه می‌نماید (روش، ۱۳۸۶: ص ۱۲۹). همچنین نظریه دیگری درباره جنبش‌های اجتماعی جدید توسط «دلپورتا» و «دیانی» مطرح شد که بیش از پیش بر این مسأله تأکید می‌کنند که جنبش‌های اجتماعی جدید معرفت تغییرات مؤثر در عصر جدید (پسامردن) هستند. در نهایت تغییرات اجتماعی می‌توانند؛ الگوهای روابط مردم را تغییر دهد و بنابراین افزایش همبستگی میان مردم درگیر در فعالیت‌های مشابه را تسهیل یا سخت کند (دلپورتا و دیانی، ۱۳۹۰: ص ۵۰).

به نظر می‌رسد نظریات بیان شده هرکدام بر بخش خاصی از علل و چگونگی شکل‌گیری جنبش - های اجتماعی در منطقه غرب آسیا و جوامع اسلامی تأکید می‌کنند. می‌توان گفت؛ اغلب آنان از توجه به نقش ایدئولوژی و نظام عقیدتی اسلامی به مثابه عامل شکل‌گیری این گروه‌ها غفلت می‌ورزند. مثلاً شکل‌گیری گروه تروریستی القاعده که گروهی اسلام‌گرا شناخته می‌شود، نظریه‌های سودمداران، انتخاب عقلانی و مشروعیت سنتی و بر را زیر سؤال می‌برد. زیرا رهبر این گروه اسلام‌گرا، فردی متمول بوده که بیشتر بر مبنای «عقیده» و نه «محاسبه سود و زیان» به عمل جمعی اقدام کرده است. این انتقادات به خوبی در دیدگاه «حمید احمدی» بیان شده است. دیدگاهی که می‌توان آن را «تحلیل رفتارهای جنبش‌های اسلام‌گرا بر مبنای عقیده و ایدئولوژی» نام نهاد. به عقیده وی، انگیزه مشارکت

مسلمانان در گروه‌های اسلام‌گرا و دست زدن به اقدام جمعی را باید در درون نظام عقیدتی اسلام و سنت تاریخی مسلمانان جست‌وجو کرد. به عبارتی؛ این نظام عقاید اسلامی است که بیش از هر متغیر دیگری زمینه را برای مشارکت در اقدام جمعی اسلام‌گرایانه فراهم می‌کند. با توجه به این مسأله، جنبش‌های اسلامی را به دلیل اهمیت نقش نظام عقیدتی در آن، می‌توان از سایر جنبش‌های غیرمذهبی مورد بررسی قرار داد (احمدی، ۱۳۷۷: ص ۷۰).

از نظر احمدی، ظهور مجدد گروه‌های اسلام‌گرا در قالب گروه‌های سیاسی متفاوت در نقاط مختلف جهان اسلام حاکی از آن است که ایدئولوژی و عقیده اسلامی در دوره معاصر نیز توانایی بر عهده گرفتن سیاست و اجتماع را دارا هستند. به طوری که با تسلط جریان‌های سکولار و میانه رو در کشورهای اسلامی تصور عمومی بر این بود که گروه‌های ایدئولوژیک دیگر جایگاهی در عرصه سیاست جهان اسلام ندارند. گرایش طرفداران اقدام جمعی خشونت بار علیه رژیم‌های موجود در جهان عرب در طول دهه ۱۹۷۰ و نیمه اول دهه ۱۹۸۰ بر صحنه فعالیت‌های اسلام‌گرایانه مصر و سایر نقاط جهان عرب حاکم بود که جناح طرفدار گرایش اعتدال در جنبش اسلامی توانست بر صحنه سیاسی مسلط شود و به تدریج جریان اصلی اسلام‌گرایی، نه تنها در مصر بلکه در سایر نقاط خاورمیانه، به ویژه جهان عرب تبدیل شود. این تحول از اقدام جمعی رادیکالیسم اسلامی به اقدام جمعی مسالمت‌آمیز در کشورهای نظیر الجزایر، لبنان، اردن، عربستان سعودی، تونس، سودان و سایر نقاط جهان عرب روی داده است (احمدی، ۱۳۷۷: ص ۷۳). به طوری که گروه‌هایی نظیر اخوان المسلمین در مصر، حزب‌الله در لبنان و شیعیان در ایران و عراق توانستند قدرت سیاسی را در دست بگیرند و یا در نقش گروه‌های سیاسی مؤثری ظاهر شوند.

به علاوه برای تکمیل بحث می‌توان گفت جهانی‌شدن و ظهور خاص‌گرایی و مشکل فروپاشی در جوامع اسلامی از مهم‌ترین علل شکل‌گیری این گروه‌ها در جهان اسلام هستند. به طوری که می‌توان ظهور این گروه‌ها را هم واکنشی در برابر جهانی‌شدن (سکولاریزاسیون غربی) دانست و هم اینکه آنان در قالب فضای جهانی شدن به طرح دیدگاه‌ها و نظریات خود می‌پردازند. با این حال، گرایش اقدام جمعی اسلام‌گرایانه به سوی اقدامات صلح‌آمیز، بستگی به میزان درجه و تأثیر متغیرهای گوناگون دارد (احمدی، ۱۳۹۰: ص ۵۰). یعنی ممکن است برخی جنبش‌ها و گروه‌های سیاسی و اجتماعی تحت شرایط خاصی به اقدامات خشونت‌آمیز برای دستیابی به اهداف خود بهره ببرند و گروه‌های

دیگری نیز از راه‌های مسالمت‌آمیز بهره ببرند.

پژوهش حاضر تلاش می‌کند با تلفیق دیدگاه‌های گوناگون و با تأکید بر دیدگاه حمید احمدی به بررسی ظهور و تداوم جنبش حزب‌الله لبنان بپردازد.

ب- نگاهی به وضعیت سیاسی - اجتماعی لبنان

لبنان؛ کشوری در غرب آسیا قرار دارد که در ۲۳ نوامبر ۱۹۴۳ اعلام استقلال کرد. پس از بحران سال ۱۹۴۵ میلادی توافق شد تا فرانسه و بریتانیا لبنان را تخلیه کنند. این امر در سال ۱۹۴۶ تحقق یافت. لبنان به رغم مداخله در جنگ اعراب و اسرائیل در سال‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۴۹ از نظر اقتصادی در وضعیت مناسبی بود (نادری‌سمیری، ۱۳۶۷: ص ۸۱). با این حال، لبنان در زمره کشوری چندفرهنگ-گرا محسوب می‌شود که البته مسیحیان نیز در آن زندگی می‌کنند. در واقع راهبان مسیحی مارونی در قرن هفدهم میلادی به این منطقه وارد شده و آنچه امروز بزرگ‌ترین فرقه مسیحی لبنان به شمار می‌رود را تأسیس نمودند. دیگر فرقه‌های مسیحی که لبنان را به عنوان خانه خود برگزیدند عبارتند از؛ ارتدوکس‌های یونانی، «ملکیت»ها یا کاتولیک‌های یونانی، و جدیدتر از همه، مسیحیان آمریکایی.

لبنان هرچند کشوری کوچک، اما با توجه به تعدد و تنوع مذاهب موجود در آن یکی از متنوع‌ترین کشورهای دنیا بوده که وضعیت پیچیده دارد، به گونه‌ای که ۱۷ مذهب رسمی در این کشور وجود داشته و این مذاهب با طایفه پیوند نزدیکی دارد و تاثیر این مذاهب در هم در خود لبنان صحنه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی داخلی را رقم زده و هم صحنه منطقه‌ای و بین‌المللی را تحت شعاع قرار می‌دهد. از حدود ۱۷ مذهب موجود در این کشور، ۱۱ مذهب مسیحی (مارونی، ارتدوکس، کاتولیک، ارمنی‌های ارتدوکس، ارمنی‌های کاتولیک، پروتستان‌ها، سریانی‌های ارتدوکس، سریانی‌های کاتولیک، لاتین‌ها، کلدانی‌ها و نستوری‌ها) و ۵ فرقه اسلامی (شیعیان، سنیان، دروزیان، علویان و اسماعیلیان) یک مذهب یهودی هستند (انصاری‌زاده، ۱۳۹۰: ص ۳۲۷). شیعیان در لبنان در اغلب مناطق آن پراکنده بودند تا اینکه پس از فتوحات صلاح‌الدین ایوبی و حاکمیت ممالیک بر شامات، شیعیان از منطقه شمالی لبنان بیرون رانده شدند (عساف، ۱۹۹۶، صص ۱۰۶-۹۲)؛ و در قسمت‌های جنوبی لبنان سکنی گزیدند. همچنین نقش مهاجران در دیگر کشورها نیز بر این امر افزوده است که هم نوعی همزیستی و دموکراسی تفاهمی را به وجود آورده و هم یکی از موانع دولت - ملت‌سازی

در لبنان به وجود آورده است به گونه‌ای که می‌توان؛ دو محور فرصت و تهدید ناشی از چندفرهنگی - گرای در لبنان را مشاهده کرد.

نوع حکومت در لبنان دموکراتیک پارلمانی است که اصل تفکیک قوا نیز در آن پیش بینی شده است. به نوعی می‌توان گفت؛ تعدد گروه‌بندی‌ها و طایفه‌گری‌ها ناآرامی‌های بسیاری را پدید آورد که باعث شده تا نظام سیاسی منحصر به فردی در این کشور در قالب «دموکراسی توافقی» یا «دموکراسی تفاهمی» شکل گیرد. در واقع؛ ساختار سیاسی لبنان را باید با توجه به میثاق ملی تعریف کرد. میثاق ملی به نوعی شناسنامه رسمیت یافتن لبنان حداقل از نظر دوران حکومتی و ناسیونالیستی است. این میثاق توافقی بود که میان رئیس جمهور لبنان، بشارة الخوری، و اولین سنی (طرفدار وحدت تمام اعراب) بود. این میثاق، لبنان را کشوری مستقل، دارای حاکمیت و بی‌طرف تعریف می‌کرد. میثاق مقرر می‌دارد؛ مارونی‌ها خواستار حمایت غربی‌ها و مسلمانان سنی نیز خواستار پیوستن در موجودیت عربی بزرگتری نخواهند بود. این میثاق و تقسیم سیستم‌های مالی و سیاسی براساس فرقه‌گرایی (نظام طایفه‌ای) به گونه‌ای حذف تدریجی صورت گرفت، اما طایفه‌گری لغو نشد (فضل، ۱۹۷۸: ص ۴۲-۳۹).

تنوع قومی و مذهبی در لبنان باعث مشکلاتی نیز شد؛ به طوری که قانون اساسی این کشور که پس از استقلال به تصویب رسیده بود، بعدها با اعتراض برخی گروه‌ها همراه شد. به همین دلیل قانون اساسی لبنان در ۲۱ سپتامبر ۱۹۹۰ بار دیگر تعدیل شد و اصلاحاتی در آن صورت گرفت. این تعدیل به دنبال ۱۵ سال جنگ داخلی در لبنان و اعتراضات گسترده مسلمانان نسبت به نابرابری بین آنها و مسیحیان - با توجه به اینکه مسلمانان در اکثریت بودند، صورت گرفت. در سال ۱۹۹۰، براساس توافقات قدرت‌های بزرگ و پادرمیانی اتحادیه عرب، نمایندگان پارلمان لبنان در شهر طائف عربستان گرد هم آمدند و توافقی را امضا کردند که به «پیمان طائف» معروف است که همان شکل تعدیل شده قانون اساسی لبنان است (نادری سمیرمی، ۱۳۶۷: ص ۹۲). بنابراین ساختار حکومت لبنان به طور کلی اینگونه است که؛ رئیس جمهوری باید مسیحی مارونی باشد. نخست وزیر باید مسلمان سنی باشد. سخنگوی پارلمان می‌بایست مسلمان شیعه باشد. با این وجود، برخی گروه‌های سیاسی لبنان به دلیل جایگاه خاص منطقه‌ای و داخلی و تحت تأثیر شرایط ایدئولوژیکی حاکم بر منطقه در دهه ۱۹۸۰ میلادی نقش پررنگی در معادلات داخلی و خارجی این کشور ایفا می‌کنند. یکی از این گروه‌ها، حزب الله است.

پ- بسترها و عوامل شکل‌گیری حزب‌الله

براساس آنچه در چارچوب نظری پژوهش بیان شد نقش «عقیده» و «ایدئولوژی» در شکل‌گیری گروه‌های سیاسی در جهان اسلام حائز اهمیت است. به طوری که وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ ه.ش به عنوان یک انقلاب مذهبی باعث تغییرات گسترده‌ای در منطقه غرب آسیا شد. این تأثیرگذاری حتی به صورت یک برنامه مدون در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب با عنوان «صدور انقلاب» نیز دنبال شد. به طوری که گفته می‌شود؛ اهداف اصلی صدور انقلاب چهار ناحیه جغرافیایی عمده تشکیل شده است. خلیج فارس، آسیای مرکزی و قفقاز شوروی، افغانستان و لبنان (رمضانی، ۱۳۸۸: ص ۶۸). بنابراین؛ لبنان به طور خاص در رأس اهداف صدور انقلاب اسلامی ایران قرار داشت و در این میان گروه شیعی حزب‌الله که پایگاه اجتماعی خود را از میان شیعیان جنوب لبنان به دست آورده بود، تحت تأثیر آموزه‌های انقلاب اسلامی شکل گرفت و در اصول رهبری و اهداف انقلابی خود از انقلاب اسلامی ایران تبعیت کرده بود.

ضمن اینکه قبل از وقوع انقلاب اسلامی ایران، نفوذ و مراوده‌های میان روحانیون شیعی در لبنان و ایران باعث همگرایی فکری میان آنان شده بود. اما وقوع انقلاب این همگرایی را در عرصه عمل نشان داد. بنابراین گسترش نفوذ روحانیون شیعی در لبنان یکی از دلایلی است که شیعیان لبنان، انقلاب اسلامی ایران را پذیرفته اند (خشان، ۱۹۹۸: ص ۱۴). به این ترتیب باید گفت؛ انقلاب اسلامی ایران باعث شکل‌گیری گروه‌هایی همسو و هم جهت با اهداف منطقه‌ای خود نظیر حزب‌الله شده بود. گروهی که تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ ه.ش شکل گرفت و تا امروز تداوم یافته است (Gaub, 2014: 5). به علاوه، انقلاب اسلامی ایران جسارت گروه‌های سیاسی اسلام‌گرا در منطقه را افزایش داده بود. بنابراین علاوه بر اینکه حزب‌الله لبنان تحت تأثیر مستقیم آموزه‌های انقلاب اسلامی شکل گرفت، سایر گروه‌های سیاسی نیز نوعی وفاق انقلابی را در منطقه شکل دادند که این موضوع به نوبه خود اعتماد به نفس گروه‌هایی همچون حزب‌الله را دوچندان می‌کرد. به هر ترتیب، پیروزی انقلاب اسلامی ایران که هم زمان با ناپدید شدن امام موسی صدر بوده، بسترساز احیای نهضت شیعی لبنان شد و شیعیان با تأثیرپذیری از ایران در مقایسه با قبل از انقلاب حالت فعال به خود گرفته و به تدریج با انتقال از حاشیه قدرت به مرکز ثقل تحولات، نقش فزاینده‌ای را در تحولات سیاسی اجتماعی لبنان برعهده گرفتند (حسینی و قاسمی حیدری: ۱۳۹۴: ص ۳۸).

در مجموع؛ عوامل ذیل را باید در شکل‌گیری حزب‌الله مهم دانست:

۱. تأثیر آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران بر لبنان، به ویژه شیعیان؛
 ۲. محرومیت و فقدان عدالت اجتماعی در جامعه «مسلمانان و ناکارآمدی ساختار حکومتی موجود؛
 ۳. جنگ‌های داخلی و فروپاشی نظام دموکراسی اجتماعی و نادیده گرفتن حقوق سیاسی فرهنگی شیعیان؛
 ۴. افزایش تجاوزات رژیم صهیونیستی به مناطق جنوبی برای تضعیف جایگاه مسلمانان؛
 ۵. تحولات منطقه‌ای نظیر مذاکره‌های صلح اعراب و اسرائیل و مداخله «گسترده کشورهای بیگانه در مسائل لبنان (تلاشان، ۱۳۸۹: ص ۵۷).
- حزب‌الله در واقع محصول شرایط تاریخی خاصی است که هم در بُعد داخلی و هم در بُعد منطقه‌ای، شرایط خاصی برای لبنان ایجاد شده بود. به طوری که تحرکات اسرائیل در اطراف مرزهای این کشور و تنوعات قومی و مذهبی گسترده در این کشور باعث روی آوردن برخی گروه‌ها نظیر حزب‌الله به نبرد مسلحانه شده بود. به هر حال، حزب‌الله محصول مبارزات جنبش امل در طی سال‌های طولانی بود که بعدها به صورت مستقل در قالب حزب‌الله درآمد. در زمانی که جنبش امل در لبنان فعال بود، پادگان‌های آموزشی زیادی در مناطق گوناگون به وجود آمد که مهم‌ترین پادگان‌های آموزشی منطقه «الشعری» و «جتتا» در کنار روستای «البنی شیت» بود. این منطقه در نزدیکی مرز شرقی سوریه قرار دارد و همان جایی است که پادگان‌های آموزشی جنبش امل در آن واقع شده و از همان زمان بود که بر شمار هواداران «جنبش اسلامی جدید» که بعدها «حزب‌الله» نام گرفت، افزوده شد (شایبیرا، ۱۳۸۹: ص ۲۱۵). در کل؛ حزب‌الله نقش مهمی در مبارزه با اسرائیل و حفظ نهضت مقاومت بر عهده دارد. به طوری که «پولاک» این موضوع را این‌گونه بیان می‌کند: «میان ایران، سوریه و حزب‌الله ارتباطی وجود دارد که در یک رویکرد با عنوان «محور مقاومت» خوانده می‌شود و به دنبال مقابله با سیاست‌های اسرائیل در منطقه و همچنین رژیم‌های سنی همسو به غرب در منطقه خاورمیانه هستند» (Pollak, 2016: 2).

حمایت‌های نظامی و مالی ایران از حزب‌الله بر کسی پوشیده نیست و از همان ابتدا، این گروه تحت کمک‌های مالی و رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران قرار داشته است. در واقع نقطه عطف و برجسته جنبش حزب‌الله را باید ۱۹۹۰ دانست که دوران مقاومت نامنظم و مخفیانه علیه اسرائیل بوده

و به تدریج در سراسر نقاط کشور گسترش یافت. در این بین، نیروهای مقاومت با کمک گرفتن از یاری و حمایت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در منطقه بقاع متمرکز بودند، ارتش رژیم صهیونیستی را نخست از «بیروت» به «صیدا» و سپس به «صور» و «نبطیه» عقب راندند تا این نیروهای اسرائیلی در نقطه‌ای که از آن به کمربند امنیتی یاد می‌شود، مستقر شدند. در این دوره، بیشترین اهتمام حزب‌الله به نبرد با رژیم صهیونیستی معطوف شده بود. در این مقطع زمانی کم و بیش برخوردهای نظامی تقریباً گسترده‌ای میان حزب‌الله و امل رخ داد (نعیم قاسم، ۱۳۸۳، ص ۷). این رویارویی نظامی از آنجا ناشی می‌شد که امل خود را تنها نماینده شیعیان لبنان می‌دانست و وجود حزب را در صحنه سیاسی مانع و مغایر با هدف خود قلمداد می‌کرد.

ت- حزب‌الله به مثابه یک جنبش سیاسی-اجتماعی

شیعیان لبنان پس از انقلاب اسلامی ایران جایگاه برجسته‌ای در داخل لبنان و منطقه غرب آسیا پیدا کردند. براساس شواهد خط امام موسی صدر یکی از رهبران بانفوذ شیعی در لبنان وقتی قوی شد که ایشان مجلس اعلای اسلامی - شیعه (که این مجلس بنابه درخواست امام موسی صدر در ۱۹ دسامبر ۱۹۹۷ تأسیس شد). را تأسیس کردند. از جمله مراکز و مؤسسات وابسته به مجلس به این مجلس می‌توان به: «الجمعیة الخیریة الثقافیة» (جمعیت خیریه فرهنگی)، «العهد الفنی الاسلامی» (کالج فنی اسلامی)، «مدرسة الضحی» (مدرسه اسلامی الضحی)، «مبره السیده خدیجه» (مرکز نیکوکاری حضرت خدیجه)، «مع المدیر التربوی» (مجموع آموزشی - ترتی الها، در دره بقاع)، «الهامیة الاسلامیة» نام برد (حیدری، ۱۳۸۵: ص ۲۲). همین مراکز و مؤسسه‌ها در کنار حزب‌الله فعالیت‌های گسترده‌ای را انجام می‌دادند و باعث شدند تا حزب‌الله در قامت یک گروه سیاسی مدون برنامه‌های خود را در لبنان پیاده کند. به نظر می‌رسد حزب‌الله به عنوان گروهی نظامی- سیاسی، تحت تأثیر شرایط و متغیر زمانه وارد فعالیت‌های سیاسی و انتخاباتی شد و برای اینکه بتواند پایگاه اجتماعی خود را در کشور لبنان و منطقه افزایش دهد، خدمات اجتماعی و سیاسی گسترده‌ای را انجام داده است. این فعالیت‌ها هرچند بیش از پیش با کمک‌های مالی و رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران صورت می‌گیرد، اما حاکی از این است که حزب‌الله توانسته با درک واقع بینانه از تحولات داخلی و منطقه‌ای، فعالیت‌های مؤثری در این حوزه انجام دهد. بنابراین؛ می‌توان حزب‌الله را یک جنبش سیاسی-

اجتماعی نیز تلقی کرد. برای مثال، حزب‌الله چندین مؤسسه تحقیقاتی برای تحقق برنامه‌های گسترش اجتماعی، رفاهی و امدادسانی به کار گرفته است که به طور مختصر ویژگی‌ها و نوع خدماتی که ارائه می‌دهند به اختصار بررسی می‌کنیم:

بنیاد شهید

این مؤسسه با کمک بنیاد شهید ایران در سال ۱۳۶۱ ه.ش، با هدف تحت پوشش قرار دادن خانواده‌های شهدا، جانبازان و اسرا تشکیل شده است. این مؤسسه تعداد زیادی از خانواده‌های شهید، اسیر، آزاده، جانباز و کودک یتیم را تحت پوشش قرار داده است. این بنیاد با داشتن بیمارستان، درمانگاه، داروخانه مؤسسات تولید پوشاک خدمات قابل توجهی به خانواده‌های وابسته ارائه می‌دهد. بخش امور تربیتی آن نیز به امور آموزشی و تربیتی فرزندان شهداء، جانبازان و اسراء اهتمام دارد و با ایجاد مدارس شاهد، ارائه کمک‌های مالی و اعطای بورس خدمات لازم را به آنها ارائه می‌دهد.

مؤسسات درمانی

این مؤسسه در سال ۱۹۸۴، با حمایت مقاومت و به منظور کمک به بهبود امکانات درمانی و اجتماعی شهروندان در مناطق محروم و برای ارائه خدمات درمانی به اعضای مقاومت اسلامی تشکیل شد. مؤسسه چتر حمایت درمانی خود را تا حدودی در مناطق تحت اشغال نیز گسترانده‌اند. این مؤسسات با توجه به سرسام‌آور بودن هزینه‌های درمانی در لبنان، با حداقل تعرفه و هزینه درمانی خدمات گسترده‌ای به مردم ارائه می‌دهند.

کمیته امداد امام خمینی (ره)

این مؤسسه در سال ۱۳۶۶ ه.ش، با هدف مبارزه با فقر و یاری‌رسانی به افراد ناتوان و مستمند برای حمایت از آنها در مقابل فسادهای اجتماعی، با کمک کمیته امداد ایران تشکیل شد.

جهاد سازندگی

جهاد سازندگی در سال ۱۳۶۷ ه.ش برای ایجاد شبکه‌های آبرسانی و برق رسانی به مناطق محروم، کمک به کشاورزان، ساخت مدارس و مساجد و درمانگاه‌ها تشکیل شد و حزب الله برای اجرای طرح‌های توسعه و عمران خود در مناطق محروم از طریق جهاد سازندگی که یک نهاد رسمی است

عمل می‌کند (میرباقری، ۱۳۸۲: ص ۸۷-۸۵).

فعالیت‌های مذکور نشان می‌دهند که حزب‌الله نیز همانند سایر جنبش‌های سیاسی و اجتماعی و تحت تأثیر شرایط سیاسی داخلی و خارجی، خود را با شرایط موجود سازگار کرده است. به این معنا که روی آوردن به فعالیت‌های اجتماعی و خدماتی در راستای سازگار کردن خود با تحولات زمانه صورت می‌گرفت. به طوری که باز هم در این زمینه می‌توان گفت که در مدارس حزب‌الله از لحاظ آموزشی نیز به زبان عربی و درس‌های اسلامی نیز تأکید ویژه‌ای می‌شود و به همین دلیل خانواده‌های غیرشیعه ترجیح می‌دهند تا فرزندان خود را به دلیل هزینه پایین و سطح بالای آموزش به مدارس حزب‌الله بفرستند. لذا این جنبش توانسته است با توجه به امکاناتی که در اختیار دارد و در بعضی موارد نسبت به سایر گروه‌های مسیحی و اهل سنت از کمیت و کیفیت برخوردار بوده به صورت مطلوب بهره برده و بتواند خدمات اجتماعی مناسبی را ارائه کند. بنابراین؛ ارائه خدمات اجتماعی مطلوب اجتماعی به تمام مردم لبنان موجب شده تا این جنبش در آینده تأثیرات خود را در فعالیت‌های سیاسی ببیند (Love, 2010: 37). اسلام شیعی مورد پذیرش جمهوری اسلامی ایران ایدئولوژی موردنظر حزب‌الله را شکل می‌دهد و مبانی اعتقادی و شریعت و فقه اسلامی روش عملی حزب‌الله است. به اعتقاد جنبش، این آیین بهترین روش زندگی است که جامعه را به پروردگار مرتبط می‌سازد و برگرفته از آیه کریمه «...الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...»^۱ است. از این منظر، جهاد علیه اشغالگران واجب شرعی است و برای آزاد کردن سرزمین راهی جز جهاد وجود ندارد.

علاوه بر این، فعالیت‌های رسانه‌ای حزب‌الله جهت گسترش ایده‌های رهبران آن به سرعت گسترش یافت و از این رو همواره شاهد بهره‌گیری این گروه از رسانه‌های متعدد هستیم.

ث- دکرین حزب‌الله؛ از جنبشی ایدئولوژیک تا جنبشی سیاسی - اجتماعی

حزب‌الله لبنان نمونه بارز گروهی سیاسی - ایدئولوژیک است که علاوه بر حفظ اصول و آرمان‌های خود، درک درستی از تحولات داخلی و منطقه‌ای داشته است و به همین دلیل نیز توانسته با حفظ آن اصول، جایگاه مستحکمی در داخل لبنان و منطقه بدست آورد. این ویژگی حاصل

۱. سوره مائده، آیه ۳؛ ترجمه آیه «... امروز، دین شما را کامل کردم، و نعمت خود را بر شما تمام نمودم، و اسلام را به عنوان آئین (جاودان) شما پذیرفتم...».

فعالیت‌های مؤثر اجتماعی، سیاسی، رسانه‌ای و مردمی حزب‌الله در داخل لبنان و درک درست آنان از تحولات منطقه‌ای است. به طوری که رهبران جنبش، با در نظر گرفتن شرایط خاص لبنان، تنها درصدد تبدیل شدن به یک گروه سیاسی مؤثر در این کشور هستند. در همین راستا، حزب‌الله قصد ایجاد حکومت اسلامی در لبنان را ندارد چرا که لبنان دارای فرهنگ و ادیان مختلفی است. به گونه‌ای که هیچ نمی‌توانند به طور قاطع بر دیگران برتری یابند، بلکه؛ می‌بایست به صورت مشترک و با تعامل با یکدیگر در کنار هم در لبنان زندگی کنند. این موضوع را می‌توان در بیانات سید حسن نصرالله استنباط کرد: «ما بر این عقیده‌ایم که تشکیل یک حکومت اسلامی نیازمند تمایل عده‌ای زیادی از مردم می‌باشد که این در شرایط لبنان فراهم نیست و احتمالاً نخواهد بود» (پروین و باقری چوبه، ۱۳۹۳: ص ۹۵). علاوه بر این وی با در نظر گرفتن شرایط خاص لبنان و وجود گروه‌های سیاسی متعدد، نقش مردم را در سرنوشت خود تعیین‌کننده می‌داند و در این باره می‌گوید: «این مردم هستند که بر اساس اکثریت مطلق آراء تصمیم می‌گیرند. بنابراین برپایی جمهوری اسلامی در شرایط کنونی لبنان مطرح نیست» (پروین و باقری چوبه، ۱۳۹۳: ص ۹۵).

نقش حزب‌الله لبنان در ساختار نظام سیاسی لبنان از جمله در دولت همواره با مواضع مختلفی همراه بوده است به طوری که در دوران ریاست‌جمهوری «امین جمیل» و پس از آن موضع مخالف داشت، اما پس از امضای «توافقنامه طائف» مواضع این حزب به تدریج و متناسب با تحولات ساخت قدرت سیاسی متحول شد. اگر چه حزب‌الله لبنان در آغاز تأسیس، خود را درگیر جزئیات رویدادهای لبنان و روند مربوط به نظام سیاسی آن نکرد، اما با گذشت زمان و بروز تحولات گسترده به ویژه توافقنامه طائف پیگیری جزئیات رویدادهای داخلی و بررسی مواضع نظام سیاسی و حلقه‌های اطراف آن در دستور کار حزب‌الله قرار گرفت (دارابی، ۱۳۸۷: ص ۴۶). حتی سران حزب‌الله در طی سال‌های پس از توافقنامه طائف، تصمیم گرفتند تا به صورت مشخص در انتخابات لبنان شرکت کنند و برنامه‌های خود را به صورت یک گروه سیاسی ارائه دهند.

تصمیم حزب‌الله برای مشارکت در انتخابات پارلمانی، به آسانی گرفته نشد بلکه مشروط بر آن که این انتخابات آزاد، پاک و نشان دهنده رأی مردم باشد صورت گرفت. البته بحث شرکت در انتخابات در کلیه رده‌های تشکیلاتی حزب مطرح گشت و پیشنهادهاى مختلف جمع‌آوری شد که سرانجام به اجماع نظر در خصوص مشارکت در انتخابات پارلمانی انجامید (اسداللهی، ۱۳۸۲:

ص ۲۰۵). بی‌شک تصمیم حزب‌الله برای مشارکت در انتخابات پارلمانی که بر پایه اجماع رده‌های تشکیلاتی حزب استوار بود منطقی به نظر می‌رسد. اما با این حال شیخ «صبحی الطفیلی» دبیر کل سابق حزب‌الله به مخالفت با این تصمیم پرداخت. زیرا معتقد بود با این عمل حزب از مسیر ایدئولوژیکی خود خارج خواهد شد. بر این اساس؛ وی اعلام کرد این تصمیم نشانه تغییرات ریشه‌ای در حزب‌الله می‌باشد، اما حزب‌الله در پاسخ به الطفیلی و در تبیین مواضع و علل مشارکت خود در انتخابات گفت:

«پارلمان یک محفل سیاسی است که نمایندگان اقشار و گروه‌های مختلف جامعه، با حضور در آن می‌توانند برای هدایت مسیر کشور، تصمیمات سیاسی مؤثر و سرنوشت‌سازی اتخاذ نمایند ... مجلس قانونگذاری لبنان، برترین نهاد مسؤل و ناظر بر عملکرد دستگاه‌ها، وزارت‌خانه‌ها و ادارات دولتی می‌باشد. بنابراین نمایندگان حزب‌الله با ورود به این مجلس می‌توانند در پیشاپیش نیروهای باشند که بر عملکرد حکومت‌ها نظارت و آنها را محاسبه و استیضاح می‌کنند ما با حضور در مجلس، امکان می‌یابیم که مشکلات و مسائل حیاتی را پشت تریبون این نهاد مطرح نماییم و برای حل آنها چاره اندیشی کنیم... حضور در مجلس را به عنوان حضور رسمی در همه کشورها و سازمان‌های بین‌المللی تلقی می‌کنیم... علی‌رغم ملاحظات و مخالفت‌هایی که با قانون انتخابات لبنان (۱۹۹۲) داشتیم.. در انتخابات مشارکت کردیم» (اسداللهی، ۱۳۸۲: ص ۲۰۷-۲۰۶).

در ورای این استدلال‌های حقوقی و قانونی، در صورت عدم مشارکت در انتخابات پارلمانی خطر انزوای سیاسی در صحنه داخلی لبنان نهفته بود (محمود حیدر، ۱۹۷۷: ص ۳۱). حزب‌الله با در نظر گرفتن این واقعیت‌ها تصمیم گرفت که وارد موزائیک سیاسی جامعه لبنان گردد. به دنبال این مشارکت هنگامی که «ریچارد جونز»، سفیر وقت آمریکا در لبنان، حزب‌الله را به عنوان یک گروه تروریست توصیف کرد، حزب در پاسخ به وی گفت: «این سخن توهین به ملت لبنان محسوب می‌شود چرا که مردم از میان اعضای حزب چندین نفر نماینده را وارد پارلمان کرده‌اند» (اسداللهی، ۱۳۸۲: ص ۲۰۷).

علاوه بر این حزب‌الله با در نظر گرفتن شرایط سیاسی لبنان حتی به ائتلاف‌سازی در عرصه سیاست‌ورزی آورد و در قامت یک حزب و گروه سیاسی فعالیت‌های قابل توجهی انجام داده است. به دست آوردن کرسی‌های در مجلس، نقش‌آفرینی در تحولات سیاسی منطقه و همسویی با سیاست‌های منطقه‌ای جبهه مقاومت نشانه‌هایی از کارنامه سیاست‌ورزی حزب‌الله به شمار می‌رود. از

زمان شکل‌گیری این گروه تا به امروز، وفاداری حزب‌الله بر سر آرمان‌های خود از جمله مبارزه با اسرائیل و پیروی از ولایت فقیه و شعارهای جمهوری اسلامی هرگز دچار خدشه نشد. در عرصه تحولات داخلی نیز حزب‌الله در مناطق مختلف با گذاشتن چند جای خالی در فهرست خود زمینه را برای مصالحه و ائتلاف با همه گروه‌ها و حتی عشایر باقی گذاشت. به این ترتیب در زیر لوای سیاست ائتلاف و مصالحه، حزب‌الله توانست به توافق‌های مهمی دست یابد. دکتر «نزار حمزه» استاد دانشگاه آمریکایی بیروت در این خصوص می‌گوید: «دیگر گروه‌ها و شخصیت‌ها در مقابل این تاکتیک حساب شده حزب‌الله غیر حرفه‌ای جلوه کردند» (نزار حمزه، ۱۳۷۲: ص ۳۸). نتیجه این مبارزه انتخاباتی، پیروزی چشمگیر حزب‌الله در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۲ بود. به این ترتیب که هشت نماینده شیعه و چهار نماینده از سایر طوائف مذهبی لبنان که هم‌پیمان حزب‌الله بودند به پارلمان حزب‌الله راه یافتند، (با توجه به اینکه لبنان ۱۲۸ عضو دارد سهمیه شیعیان در پارلمان لبنان فقط ۲۷ نماینده است). بر این اساس حزب‌الله در اولین آزمون انتخابی توانست ۸ نفر از ین سهمیه‌بندی را به خود اختصاص دهد) و یک فراکسیون ۱۲ نفره به نام «وفای به مقاومت» تشکیل دادند این فراکسیون که اولین فراکسیون اسلامی در تاریخ لبنان به شمار می‌آید و از فعال‌ترین فراکسیون‌های پارلمانی در لبنان محسوب می‌شود (اسداللهی، ۱۳۸۲: ص ۲۰۹). «شیخ نعیم قاسم» نیز در خصوص ائتلاف‌های انتخاباتی حزب‌الله در انتخابات سال ۱۹۹۶، گفت: «امکان ائتلاف با تمامی احزابی که با اسرائیل ارتباط ندارد، وجود دارد». بدین ترتیب، حزب‌الله موفقیت‌های خود را در انتخابات ۱۹۹۶، نیز تکرار کرد و پس از عقب‌نشینی اسرائیل از خاک لبنان در خرداد سال ۱۳۷۹، به صورت قدرت اول شیعه، در مبارزات انتخاباتی سال ۲۰۰۰ شرکت نمود (اسداللهی، ۱۳۸۲: ص ۲۰۹). این رویکرد بعدها نیز در دستور کار حزب‌الله در لبنان قرار گرفت و با گذر از چالش‌های متعدد توانست هم بر پایگاه اجتماعی خود در لبنان بیفزاید و هم بر سر آرمان‌های دیرینه خود وفادار بماند.

ج- کاربست چارچوب نظری و آینده سیاسی حزب‌الله

براساس آنچه در بحث چارچوب نظری بیان شد؛ نظام عقیدتی اسلامی، علت عمده شکل‌گیری جنبش‌های اسلامی و مشارکت اعضای آن در اقدامات جمعی است. در ذات این نظام عقیدتی، نوعی تعهدات ایدئولوژیک نهفته است که اسلام‌گرایان خود را به پایبندی به آن و تلاش در راه پیاده کردن

آن اصول موظف می‌دانند. به عبارت دیگر، نظام عقیدتی اسلامی، مأموریت‌های خاصی را برای معتقدان به اصول اسلام‌گرایی مشخص می‌کند که تلاش برای تحقق آنها بخش مهمی از تعهدات مذهبی اسلام‌گرایان را تشکیل می‌دهد. در واقع؛ این اصول عقیدتی، اهداف سیاسی خاصی را برای اعضای جنبش‌های اسلامی تعیین می‌کند که آنها را رودروی نظام‌های سیاسی غیرمذهبی قرار می‌دهد (احمدی، ۱۳۷۷: ص ۷۰). با این وجود ویژگی بیان شده باعث نشد تا جنبش حزب‌الله از فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی در لبنان و منطقه باز بماند. به طوری که گسترش فعالیت‌های اجتماعی و شرکت کردن در انتخابات همانند یک حزب باعث شد تا زمینه‌های گسترش ایده‌های رهبران آن در داخل لبنان و منطقه بیش از پیش گسترش یابند.

حزب‌الله نمونه بارز یک جنبش سیاسی-اجتماعی موفق در جهان اسلام است که با تعقیب منافع ایدئولوژیکی خود در قالب فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی توانست موفقیت‌های قابل توجهی به دست آورد؛ چرا که هم توانسته ایدئولوژی خود را بسط و گسترش دهد و هم در چارچوب ایدئولوژی و عقیده، منافع گروهی خود را به پیش ببرد. به‌طور مثال، حزب‌الله در عرصه تحولات منطقه‌ای، همواره معتقد بوده؛ اسرائیل رژیم نامشروع و متجاوز است. این موضوع را می‌توان در اقدامات و موضع‌گیری‌های سران حزب‌الله مشاهده کرد در سال ۱۹۹۳ در جریان «صلح اسلو» سیدحسن نصرالله و جمعی از فرماندهان ارشد حزب‌الله مخالفت شدید خود را با هرگونه مصالحه با اسرائیل اعلام کردند. وی در یک کنفرانس خبری تأکید کرد: «از طریق مذاکرات دیپلماتیک نمی‌توان سرزمینی را آزاد کرد بلکه راه علاج مقاومت و شهادت است» (روزنامه اطلاعات، ۱۳/۴/۱۳۸۷). حتی با گذشت زمان و فاصله گرفتن حزب‌الله از رویکردهای ایدئولوژیک اولیه، امروزه نیز حزب‌الله لبنان، و رهبر آن سید حسن نصرالله وعده داده‌اند که سیاست‌های مشترک خود در ائتلاف با سوریه را در منطقه ادامه می‌دهند و حمایت‌های سازماندهی‌شده‌ای در حمایت از نظام سیاسی سوریه اتخاذ می‌کند (Pollak, 2016: 1). اما با جدی شدن تحولات مزبور در کشورهای عربی و مخصوصاً تحولات سوریه، همه نگاه‌ها به سمت حزب‌الله و فعالیت‌های آن در منطقه معطوف شد که البته حمایت قاطع این گروه از فعالیت‌های دولت بشار اسد را در این کشور به همراه داشت (Shalabi, 2015: 7). این موضوع نشان می‌دهد که عنصر «عقیده» و «ایدئولوژی» هرچند می‌توانند در گذر زمان، اشکال متعددی به خود بگیرند، اما همواره بر استفاده از ابزارهای مؤثر در دستیابی به اهداف حزب‌الله کارگر

افتاده است. سازگار کردن عقیده و ایدئولوژی با تحولات سیاسی و اجتماعی داخلی و منطقه‌ای در نزد حزب‌الله یکی دیگر از نشانه‌های پویایی ایدئولوژی شیعی در عرصه سیاست‌ورزی است.

در سال ۲۰۰۶ میلادی، جنگ میان اسرائیل و لبنان، نگرش‌ها را راجع به این گروه سیاسی تغییر داد (Gaub, 2014: 6). به طوری که همگان فهمیدند که حرکت آرام حزب‌الله در چارچوب تحولات سیاسی و اجتماعی لبنان و منطقه تا چه اندازه در آینده روشن این گروه مؤثر بوده است. هرچند حزب‌الله برای کسب مقبولیت به عنوان یک جنبش اجتماعی با چالش‌های فراوانی روبرو بوده است (Maksad and Lord, 2018: 4)؛ اما رهبران جنبش هرگز میان مواضع خود و تحولات جامعه فاصله‌ای ایجاد نکردند و البته مواضع اصلی خود را نیز دنبال نموده‌اند. به طوری که می‌توان گفت؛ دکترین اصلی در ایدئولوژی حزب‌الله عبارتند از؛ دین اسلام، اطاعت از ولی فقیه و مقاومت در برابر تجاوز اسرائیل بدون آن که صلح با این رژیم پیش‌بینی شده باشد (پروین و باقری‌چوبه، ۱۳۹۳: ص ۹۶-۹۷). در کنار این رویکردهای ثابت، حزب‌الله لبنان با انتشار مرام‌نامه جدیدی در سال ۲۰۰۹، صراحتاً بر اجرای یک سیستم اسلامی بر پایه رأی مستقیم مردم تأکید نمود.

در عرصه داخلی نیز پس از به قدرت رسیدن «سعد حریری» به نخست‌وزیری لبنان، و علی‌رغم مخالفت با دولت حریری، حزب‌الله همواره سعی نمود که این مخالفت را براساس سیاست مخالفت بدون قطع رابطه استوار سازد، مگر این که موضوع مقاومت مورد تعرض قرار گیرد. فراکسیون حزب‌الله با ترسیم سیاست‌های ملی در خصوص امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی امکان و مشروعیت فعالیت علیه دولت را به گونه‌ای برای خود فراهم ساخت که به رویارویی مستقیم و آشکار با حکومت و گروه‌های برنخیزد که از پیمان طائف حمایت می‌کنند. با این حال از رفتار و کردار حزب‌الله چنین استنباط می‌شود که مقاصد سیاسی دیگران را نسبت به خود درک می‌کند و هر فرصتی را برای گفتگو با مراکز متعدد حاکمیت مغتنم می‌شمارد. بنابراین؛ هنگامی که به تدریج رفتار حریری نسبت به حزب‌الله بهبود یافت حزب نیز در رفتار خود تغییراتی ایجاد کرد و موضع خود را در تحریم همه تصمیمات دولت حریری عوض کرد و به یک مخالفت آرام تبدیل گردید (اسداللهی، ۱۳۸۲: ص ۲۱۰-۲۱۱)؛ حزب‌الله این تغییر تدریجی را این‌گونه توجیه می‌کند که «از موضع تحریم خارج شده است اما موضع مخالف را حفظ کرده است» (محمود حیدر، ۱۹۷۷: ص ۱۲). مواضع بسیار دوستانه سیدحسین نصرالله نسبت به رفیق حریری در موضوع مبادله اسرای لبنانی با باقیمانده جنازه

یک سرباز اسرائیلی و تقدیر دبیرکل حزب‌الله از نقش نخست‌وزیر در این مبادله نمونه بارزی از این خط‌مشی است (اسداللهی، ۱۳۸۲: ص ۲۱۱).

عنصر «عقیده» و «ایدئولوژی» علاوه بر اینکه نقش مؤثری در قوام بخشی به جنبش حزب‌الله دارند، متناسب با شرایط زمانه ابزارهای جدیدی را پدید می‌آورند که نقش مؤثری در دستیابی جنبش به اهداف آنان دارد. به طوری که ایمان به اسلام، اعتقاد به جهاد در راه خدا و نیل به شهادت به عنوان مبدأ رستگاری موجب شده تا نیروهای مقاومت اسلامی لبنان در برداشتن موانع و سختی‌ها از مسیر خود قدرت استثنایی یابند و بدون هیچ تغییر رویکردی به مقابله با رژیم صهیونیستی بپردازند. جنبش حزب‌الله روحیه شهادت را از افکار و دیدگاه‌های انقلاب اسلامی به ارث برد که نتیجه آن شجاعت نیروهای حزب‌الله در مقابل دشمن ماتریالیستی‌ای بود که با خرد محاسبه‌گری خود خواهان فرار از مرگ، زنده ماندن و ادامه زندگی دنیوی بود (درخشه و بیگی، ۱۳۹۵: ص ۵۳).

همچنین حزب‌الله با تأکید بر روحیه مقاومت‌پذیری و تأکید بر عنصر «عقیده» و «ایدئولوژی» خود، نوعی «ما می‌توانیم» را در ساختار موزائیکی لبنان را به وجود آورده‌است. به‌گونه‌ای که ائتلاف طرفدار حزب‌الله امروزه با شرکت در انتخابات - روز یکشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۷ که در این انتخابات ۵۸۳ نامزد در قالب ۷۷ فهرست در ۱۵ حوزه انتخاباتی برای تصاحب ۱۲۸ کرسی پارلمان لبنان با هم رقابت کردند- توانسته است ۶۷ کرسی پارلمان را به دست آورد. به‌عبارتی؛ اکثریت پارلمان در دست جریان مقاومت لبنان قرار گرفته است. طبق قانون اساسی لبنان رئیس پارلمان باید یک شیعه و نخست‌وزیر سنی باشد که این امر می‌تواند نقطه عطفی حتی برای تغییر قانون اساسی باشد (روزنامه جام جم، شماره ۵۱۰۰ به تاریخ ۹۷/۲/۱۸).

در همین چارچوب رهبران حزب‌الله اسلام و رسالت و پیام دین را بسیار انعطاف‌پذیرانه به مردم نشان داده و از تحمیل دین که به کمک زور که زنان را به پوشاندن وادار و شرب خمر را حرام می‌کند، سخنی به میان نیاورده‌اند. سیدحسن نصرالله در این باره گفته است: «اعتقاد ما از لحاظ ایدئولوژیک این است که حکومت اسلامی بهترین راه برای حل مسائل و مشکلات اجتماعی است، ولی تحمیل چنین حکومتی را به زور آن هم در حکومتی چند طایفه‌ای مانند لبنان قبول نداریم» (بزی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۰-۱۰۱). در نهایت اینکه حزب‌الله لبنان توانسته با به کار بردن تدابیر مناسب، در ایستگاه نخست به مقابله با رژیم صهیونیستی بپردازد و پس از ناکام کردن آن رژیم در تحقق اهداف

خود اعتبار یابد، سپس در ایستگاه دوم به کمک هم پیمانان منطقه‌ای خود قدرت یافته و توانسته با بسیاری از احزاب و گروه‌های مختلف در لبنان به گفت‌وگو پردازد و در ایستگاه سوم با مقبولیتی که از جامعه به دست آورد توانسته‌است؛ صلاحیت خود را در عرصه سیاسی و اجتماعی جامعه لبنان به منصفه ظهور برساند (درخشه و بیگی، ۱۳۹۵:ص ۳۹).

نتیجه‌گیری

در مجموع باید گفت نظریات متعددی درباره شکل‌گیری و تداوم جنبش‌های سیاسی و اجتماعی در منطقه غرب آسیا و جهان اسلام مطرح شده است که هرکدام از جنبه خاصی به این مسأله نگاه می‌کنند. در یک نگاه جامع اغلب تحلیل‌های ذکر شده در این پژوهش، از جامعیت چندانی برخوردار نیستند و عنصر اساسی شکل دهی به جنبش‌های اسلامی یعنی «عقیده» و «ایدئولوژی» را نادیده می‌گیرند. ضمن اینکه برخی دیدگاه‌های شکل گرفته درباره جنبش‌های اسلامی، عنصر عقیده و ایدئولوژی را عاملی برای واپس‌گرایی جنبش‌های مذکور می‌دانند. تحلیل حاضر نشان داده است که شکل‌گیری، تداوم و ادامه حیات گروه‌هایی نظیر «حزب‌الله» می‌تواند با تکیه بر یک ایدئولوژی دینی و همگام شدن با تحولات سیاسی و اجتماعی زمانه به پیش برود. بنابراین ایدئولوژی و عقیده در نزد گروه‌هایی نظیر حزب الله عاملی قوام‌بخش و زنده به حساب می‌آید. در همین راستا، رویکردی که در این پژوهش از آن بهره‌جسته‌ایم به طور خاص بر عناصر «عقیده» و «ایدئولوژی» و تغییر اشکال آن در بستر زمان تأکید می‌کند و نقش متعامل ایدئولوژی و تحولات سیاسی و اجتماعی را برای چنین گروه‌هایی در نظر می‌گیرد.

با این وجود، باید گفت که جنبش حزب‌الله در زمره جنبش‌های موفق در جهان اسلام است که علاوه بر ایستادگی بر سر مواضع داخلی و منطقه‌ای خود نظیر پیروی از ولایت‌فقیه، مبارزه با اسرائیل، حمایت از محور مقاومت و حمایت از دولت قانونی سوریه در پی بحران‌های پس از تحولات سال ۲۰۱۱ میلادی، درک بالایی از تحولات سیاسی و اجتماعی زمانه خود دارد. به طوری که با پذیرش منطقه چندفرهنگی و چندقومی در لبنان، وارد کارزار سیاسی این کشور شد و با بهره‌گیری از ابزارهای مدرنی نظیر انتخابات و ارائه خدمات اجتماعی، راه خود را برای تأثیرگذاری بر فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی در لبنان و منطقه باز کند. رویکرد مذکور باعث می‌شود تا جنبش حزب‌الله علاوه بر

درنغلتیدن در خدعه‌های داخلی و منطقه‌ای، راه دشوار سیاست‌ورزی را در جامعه متکثر لبنان دنبال کند و حتی موفقیت‌های قبال توجهی در عرصه انتخابات به دست آورد. علاوه بر این در عرصه‌های نظامی نیز توانسته است از گنبد آهنین رژیم صهیونیستی عبور کند و در نبردهای متعدد به مقابله با این رژیم پردازد و ضمن پیروی از عنصر عقیده و ایدئولوژی اولیه، راه خود را در فضای پرتلاطم منطقه پیدا کند. به نظر می‌رسد شرایط کنونی منطقه و داخلی لبنان نیازمند اتخاذ، راهکارهای جدیدی است که با توجه به تجارب روشن حزب‌الله می‌تواند کامیابی‌های جدیدی نصیب خود و محور مقاومت در منطقه بنماید.

منابع

الف- منابع فارسی

- احمدی، حمید (۱۳۷۷)، «آینده جنبش‌های اسلامی در خاورمیانه؛ طرح یک چارچوب نظری»، *مطالعات خاورمیانه*، شماره ۵۵.
- احمدی، حمید (۱۳۹۰)، *جامعه‌شناسی سیاسی جنبش‌های اسلامی*، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- اسداللهی، مسعود (۱۳۸۲)، *جنبش حزب‌الله لبنان، گذشته و حال*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- افراسیابی، محمد صادق، رفتار فرهنگی - رسانه ای حزب‌الله، روزنامه جام جم، شماره ۸۴۰.
- انصاری‌زاده، سلمان (۱۳۹۰)، «تحولات ژئوپلیتیکی منطقه خاورمیانه با تأکید بر سه کشور ایران، لبنان و سرزمین‌های اشغالی»، بی‌جا.
- آپوستولوف، ماریو (۱۳۸۸)، *لبنان: اجتماعات سازنده یا اقلیت‌ها*، در *جامعه‌شناسی سیاسی شکاف‌های اجتماعی بررسی‌های موردی*، مقالاتی از پپا نوریس، نیکی کدی و دیگران، نگارش و برگردان: پرویز دلیرپور و علیرضا سمیعی اصفهانی، چاپ اول، تهران: نشر کویر.

- بزوی، محمد حسین (۱۳۸۶)، *زبور مقاومت: حزب‌الله در کلام مقاومت*، ترجمه مصطفی اللهیاری، چاپ اول، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- بوزان، باری (۱۳۸۱)، «خاورمیانه؛ ساختاری کشمکش‌زا» ترجمه احمد صادقی، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال شانزدهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۱، صص ۶۸۰-۶۳۱.
- پروین، خیرالله و عباس باقری چوبه (۱۳۹۳)، *پندارشناسی اقدامات حزب‌الله لبنان از منظر حقوق بین‌الملل*، تهران، نشر خرسندی.
- ترنر، برایان (۱۳۸۷)، *ماکس وبر و اسلام*، ترجمه سعید وصالی، تهران: نشر مرکز.
- تلاشان، حسن (۱۳۸۹)، «ژئوپلیتیک شیعه در لبنان»، *مجله اخبار شیعیان*، مرداد، شماره ۵۷.
- حسینی، علی و قاسمی حیدری، سوسن، (۱۳۹۴)، «تاثیر بن لایه‌های انقلاب اسلامی ایران بر بیداری سیاسی، اجتماعی شیعیان لبنان»، *دوفصلنامه بیداری اسلامی*، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان.
- حیدری، سعید (۱۳۸۹)، *تحقق وعده الهی (مقاومت ۳۳ روزه حزب‌الله لبنان با جنود شیطان)*، چالوس، نشر شهیدین.
- دارابی، علی، (۱۳۸۷)، *زیتون سرخ: حزب‌الله الگوی مقاومت*، چاپ دوم، تهران: مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی جام جم.
- درخشه و بیگی، جلال و علیرضا (۱۳۹۵)، (کارآمدی حزب‌الله لبنان در دستیابی به مقبولیت اجتماعی و مشروعیت سیاسی)، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال ششم، شماره چهارم، زمستان ۹۵، صص ۵۹-۳۳.
- دکمجان، هریر (۱۳۸۳)، *جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب؛ بررسی پدیده بنیادگرایی اسلامی*، ترجمه حمید احمدی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات کیهان.
- دلاپورتا و دیانی، دوناتلا و ماریو (۱۳۹۰)، *مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی*، ترجمه محمدتقی

دلفروز، چاپ سوم، تهران: نشر کویر.

- رمضان، روح الله (۱۳۸۸)، *صدور انقلاب ایران: سیاست، اهداف و وسایل، در انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، نوشته جان. ال. اسپوزیتو، ترجمه محسن مدیرشانه چی، چاپ سوم، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- ریشه، گی (۱۳۸۶)، *تغییرات اجتماعی*، ترجمه منصور وثوقی، چاپ نوزدهم، تهران: نشر نی.
- قزلسفلی، فرخی، محمدتقی و سمیه (۱۳۹۲)، «پارادایم مقاومت و بیداری اسلامی در پرتو تحولات شمال افریقا و خاورمیانه»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، دوره ۱، شماره ۲، پاییز ۹۲، صص ۱۶۱-۱۳۸.
- میرباقری، یزدان، (۱۳۸۲)، *حماسه مقاومت اسلامی در جنوب لبنان*، تهران، مؤسسه اندیشه‌سازان نور.
- میگردال، جوئل (۱۳۹۵)، *دولت در جامعه: چگونه دولت‌ها و جوامع یکدیگر را متحول ساخته و شکل می‌دهند؟* ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: نشر کویر.
- نادری سمیرمی، احمد (۱۳۶۷)، «لبنان»، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه.
- نش، کیت (۱۳۸۹)، *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر؛ جهانی‌شدن، سیاست، قدرت*، ترجمه محمدتقی دلفروز، چاپ هشتم، تهران: نشر کویر.
- وبر، ماکس (۱۳۸۴)، *اقتصاد و جامعه*، ترجمه عباس منوچهری، مهرداد ترابی، مصطفی عمادزاده، تهران: انتشارات سمت.

ب- منابع انگلیسی

- Gaub, Florence (2013), *The Role of Hezbollah in post-conflict*, Directorate-General for External Policies, Policy Department, European Parliament.
- Love, James B. (2010), *Hezbollah: Social Services as a Source of Power*, Operation University press, Joint Special.

- Maksad and Lord, Firas and Sarah (2018), Hezbollah and Lebanons 2018 Election; What s at Stake, Arabia Foundation, Washington.
- Pollak, Nadav (2016), The Transformation of Hezbollah by Its Involvement in Syria, Research Notes, The Washington Institute for Near East Policy, No. 35.
- Shalabi, Samir (2015), Hezbollah: Ideology, Practice, and the Arab Revolts, Between Popular Legitimacy and Strategic Interests, Lund University, Center for Language and Literature, Bachelor of Arts Thesis in Middle East.

پ- منابع عربی

- حیدری، محمد (۱۳۸۵)، *العربیة المعاصرة فی التحدث و المحادثه*، تهران: مشعر.
- خشان، هلال (۱۹۹۸)، *الاسلام و العصر الحديث*، الانتشارات و البحوث، لبنان، بیروت.
- شیخ نعیم قاسم (۱۳۸۳)، *حزب‌الله لبنان، خط‌مشی گذشته و آینده آن*، ترجمه محمدمهدی شریعتمدار، تهران، روزنامه اطلاعات.
- عساف، ساسین (۱۹۹۶)، *المأزق السیاسیة فی التسویة اللبانیة*، چاپ اول، بیروت.
- نزار، حمزه (۱۳۷۲)، «از انقلاب اسلامی تا سازش پارلمانی»، ترجمه بهروز ابوئی مهریزی، دانش سیاسی، مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق(ع)، دفتر مطالعات سیاسی، پیش شماره سوم.